

مثنوی فلسفی در باب

سرمایه داری

محمود خاتمی

استاد دانشگاه تهران

تهران ۱۳۹۸

سرشناسه	:	خاتمی، محمود
عنوان و نام پدیدآور	:	تأملی فلسفی در باب سرمایه‌داری / محمود خاتمی.
مشخصات نشر	:	تهران: نشر علم، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	:	۹۴۵ ص. ۵/۱۴ × ۵/۲۱ سم.
شابک	:	978-622-246-071-6
وضعیت فهرست نویسی	:	فبا
موضوع	:	سرمایه‌داری
موضوع	:	Capitalism
رده بندی کنگره	:	HB۵۰۱
رده بندی دیویی	:	۳۳۰/۱۲۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۹۲۵۶۴۸



نشر

تأملی فلسفی در باب سرمایه‌داری

محمود خاتمی

(استاد دانشگاه تهران)

چاپ: اول ۱۳۹۸

تیراژ: ۴۴۰ نسخه

لیتوگرافی: باختر

چاپ: آزاده

تهران، خیابان انقلاب، خیابان دوازده فروردین، خیابان شهدای زاندارمری،

بن بست گرانفر، پلاک ۴ تلفن: ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۴۶-۰۷۱-۶

فهرست اجمالی

پیشگفتار ۱۹

بخش اول: امور عامه (۲۷-۴۶)

فصل اول: تعریف سرمایه داری ۲۹

فصل دوم: نظریه پارادایمی و ظهور سرمایه داری ۳۹

بخش دوم: پارادایم وجودی: متافیزیک سرمایه داری (۴۷-۱۳۸)

مقدمه ۴۹

فصل سوم: متافیزیک عقلانی: تأسیس اندیشه اقتصاد ۵۱

فصل چهارم: متافیزیک وحیانی: تأسیس فقه اقتصاد ۷۹

فصل پنجم: متافیزیک سرمایه: فنودالیسم ۱۰۹

بخش سوم: پارادایم گامی: علم سرمایه داری (۱۳۹-۶۵۴)

مقدمه ۱۴۱

فصل ششم: پیدایش روح سرمایه داری جدید: زمینه ها ۱۴۳

فصل هفتم: از پروتستانتیسم به سرمایه داری جدید ۱۷۳

فصل هشتم: از یهودیت به سرمایه داری جدید ۱۹۷

فصل نهم: از سکولاریسم به سرمایه داری جدید ۲۱۳

فصل دهم: از اومانیزم به سرمایه داری جدید ۲۳۷

فصل یازدهم: از راسیونالیسم به سرمایه داری جدید ۲۶۱

فصل دوازدهم: از آمپریسم به سرمایه داری جدید ۲۸۷

فصل سیزدهم: از اندیویدوالیسم به سرمایه داری جدید ۳۱۱

فصل چهاردهم: از اصل منفعت طلبی به سرمایه داری جدید ۳۳۳

فصل پانزدهم: از مرکانتلیسم به سرمایه داری جدید ۳۰۹

فصل شانزدهم: سرمایه داری جدید: ظهور نظریه کلاسیک ۳۳۷

فصل هفدهم: سرمایه داری جدید: ظهور انقلاب صنعتی ۳۴۹

- فصل هجدهم. سرمایه‌داری جدید: لیبرالیسم اقتصادی ۳۷۷
- فصل نوزدهم. سرمایه‌داری جدید: عصر طلایی ۴۴۷
- فصل بیستم. سرمایه‌داری جدید: ظهور امپریالیسم اقتصادی ۴۹۵
- فصل بیست و یکم. سرمایه‌داری جدید: چالش سوسیالیسم ۵۱۱
- فصل بیست و دوم. بحران و رکود: پایان سرمایه‌داری کلاسیک ۶۲۹
- بخش چهارم: پارادایم زبان: تکنولوژی سرمایه‌داری (۶۵۵-۷۲۸)
- مقدمه ۶۵۷
- فصل بیست و سوم. وضع سرمایه‌داری بعد از جنگ جهانی دوم ۶۵۹
- فصل بیست و چهارم. نظام سرمایه‌داری: تکنولوژی سرمایه ۶۶۹
- فصل بیست و پنجم. نظام سرمایه‌داری: غربی کردن و جهانی شدن ۶۹۵
- بخش پنجم: پارادایم فرهنگ: ارزش سرمایه‌داری (۷۲۹-۸۷۰)
- مقدمه ۷۳۱
- فصل بیست و ششم. نظام سرمایه‌داری: پایان اصالت اقتصاد ۷۳۵
- فصل بیست و هفتم. نظام سرمایه‌داری: اندیشه پارادایم فرهنگ ۷۶۳
- فصل بیست و هشتم. نظام سرمایه‌داری: مسائل ارزش‌ها ۷۷۹
- فصل بیست و نهم. ارزش‌شناسی سرمایه‌داری: چالش رابری ۸۱۵
- فصل سی‌ام. ارزش‌شناسی سرمایه‌داری: چالش جهانی‌سازی ۸۳۷
- فصل سی و یکم. ارزش‌شناسی سرمایه‌داری: چالش محیط زیست ۸۵۳
- خاتمه: امکان اقتصاد دینی ۸۷۱

فهرست منابع ۸۷۹

فهرست اعلام ۹۳۳

پیشگفتار

لویی بلا^۱ واضع واژه کاپیتالیسم^۲ (سرمایه‌داری) در نیمه قرن نوزده نوشت: "آن چه من کاپیتالیسم می‌نامم، یعنی تخصیص دادن سرمایه توسط عده‌ای [به خود] و محروم کردن دیگران [از آن]".^۳ گو این که بهین مخنی در عین سادگی ماهیت عملی سرمایه‌داری (کاپیتالیسم) را نشان دهد، اما در لحاظ نظری بحث از این ماهیت به همین سادگی نیست؛ زیرا هرچه واژه کاپیتالیسم نوپدید و جدید است، اما چنان که به شرح خواهد آمد، سرمایه‌داری امری انسانی که مالکیت و مبادلات آن بین انسان‌ها تعیین و رواج داشته است، به عنوان یک پدیده اجتماعی موجود بوده، و ادوار تاریخی مهمی را سپری کرد، و پارادایم‌های مختلفی را تجربه نموده است که هریک اقتضائات خود را داشته است؛ سرمایه‌داری هم مطابق همین مقتضیات در هریک از آن‌ها حلی و تعیین خاصی یافته است. غرض ما هم در این کتاب آن است که با تحلیل توصیفی این ادوار تاریخی، به لحاظ فلسفی زمینه‌های متانظری لازم برای تعیین کلان‌شاکله‌های سرمایه‌داری و تبیین سرشت و سرنوشت آن فراهم

^۱ Louis Jean Joseph Charles Blanc (1811 – 1882)

^۲ Capitalism

^۳ "ce que j'appellerai le *capitalisme*, c'est-à-dire l'appropriation du capital par les uns, à l'exclusion des autres." (Louis Blanc, *Organisation du Travail*, Paris: Nouveau Monde 1850. P. 161.)

آوریم. بدین منظور، این تحلیل توصیفی را بر اساس نظریه پارادایم‌های چهارگانه که در آثار دیگر خود عرضه داشته‌ایم بنا می‌کنیم، و از متافیزیک سرمایه‌داری در پارادایم وجود، علم سرمایه‌داری در پارادایم آگاهی، تکنولوژی سرمایه‌داری در پارادایم زبان، و نهایتاً از ارزش سرمایه‌داری در پارادایم فرهنگ سخن خواهیم گفت؛ و خواهیم گفت که با پایان یافتن هر پارادایم، دوره‌ای تاریخی و صورتی خاص از سرمایه‌داری نیز پایان گرفته، و امکان ادامه و تداوم آن صورت از سرمایه‌داری در پارادایم دیگر نبوده است، و ناگزیر در پارادایم جدید صورتی مناسب با اول و اقتضات آن پارادایم یافته است که عمده‌تاً فارغ از صور دیگر خواهد بوده و بلکه ناقض و در تعارض با آن‌ها است، و لذا استفاده از آن صورت / شکل صورتی از سرمایه‌داری که در پارادایم زبان شکل گرفته و لذا مقتضی سرمایه‌داری تکنولوژیک است) و اعمال آن در پارادایم دیگر (مثلاً در جامعه‌ای که پارادایم اندیشه و زیست آن پارادایم وجود است و لذا مقتضی متافیزیک است) ملازم تعارض و از نظر منطقی مستلزم مغالطه پارادایمیک است که در بیان دیگر شرح آن را داده‌ایم.^۱

این خلاصه تأمل فلسفی، ایده اصلی و آموزه نهایی ما در این کتاب است.

^۱ تفصیل این بحث را در رساله پارادایم چهارم آورده‌ایم.

آشکار است که در این تأمل و برای دستیابی به این آموزه، ناگزیر باید به تاریخ اندیشه‌های اقتصادی و سرمایه‌داری و تحلیل داده‌های تاریخی و علمی در حوزه اقتصاد مراجعه نمود، و از آن به عنوان ماده اصلی برای این صورت‌پردازی و تأمل استفاده کرد.^۱ بدین منظور، در طول کتاب تلاش بر این بوده که مباحث تاریخی و داده‌های علمی و سندها را متون اصلی مورخان درجه اول تاریخ اندیشه‌های اقتصادی و مشاهیر علمای اسلام اقتصاد گزارش شوند تا ماده بحث ما از دقت کافی و ظرفیت و قابلیت برای تحلیل برخوردار باشد؛ زیرا غرض ما در این کتاب تحلیل پارادایمیک همان تاریخ و داده‌ها در حوزه اندیشه و علم اقتصاد، و شاکله‌بندی کلان فلسفی اقتصادی سرمایه‌داری بر اساس آن تحلیل است تا نسبت تاریخی ما با سرمایه‌داری در وضع و عالم حاضر معلوم شود. این مباحث تاریخی و داده‌های علمی در حوزه اندیشه و تاریخ و علم اقتصاد ماده بحث ما هستند و صورت بحث همان اندیشه پارادایمیک است که در تحلیل این مواد بکار خواهیم برد.

^۱ البته چنان‌که در مباحث آینده خواهیم دید، تاریخ اندیشه اقتصاد مشحون از مکاتب اقتصادی و اندیشه‌ها و آرائی است که این گونه داده‌های تاریخی را به لحاظ نظری در مقاطع مختلف جغرافیایی-تاریخی و در نظام‌های اقتصادی مختلف تولید و تفسیر کرده و به لحاظ عملی بکاربرده‌اند. (در این باره نگاه کنید به: Lefteris Tsoulfidis, *Competing Schools of Economic Thought*. Springer (2014. ch.17, pp.383 ff. همه این داده‌های تاریخی (نظری و عملی) می‌توانند ماده اصلی برای این صورت‌پردازی و تأمل قرار گیرند.

پیش‌فرض ما هم در طول این مباحث این است که چنین ماده‌ای در بُن ماهیت فلسفی دارد؛^۱ زیرا اندیشه‌های اقتصادی به وجه عام و اندیشه‌های سرمایه‌داری به وجه خاص یا ماهیتاً فلسفی‌اند و یا خاستگاه فلسفی دارند. در واقع، این اندیشه‌ها هرچند معطوف به موضوعات، مناسبات و رفتارهای خاصی بوده‌اند، اما در باطن حکایت از مواضع و املاق اصول فلسفی دارند.^۲

ما در درون متافزیک این مطلب را به صورت قاعده عام در مورد همه علوم اعم از طبیعی و انسانی بیان کرده‌ایم، و بطالت این نظر خام و مغلطه خیز را که علوم جدید از فلسفه جدا و بلکه با آن قابل دارند بیان کرده‌ایم، و نشان داده‌ایم که هرگونه اندیشه علمی ماهیتاً فلسفی است، و نظریات ناب علمی خاستگاه فلسفی دارند. بدیهی است که این نظر نافی مدخلیت امور دیگر در شکل‌گیری این اندیشه‌ها نیست، بلکه سخن ما ناظر به ماهیت این اندیشه‌ها از آن حیث است که اندیشه‌اند؛ لذا نظر ما نافی این سخن برخی اهل تحقیق نیست که گفته‌اند که امور طبیعی و صور با متنازع از آن‌ها در شکل‌گیری اندیشه اقتصادی و الگوهای آن مدخلیت داشته است. تازه که به:

Philip Mirowski (ed.), *Natural Images in Economic Thought: Markets Read in Terms of and Claw*. Cambridge University Press 1994. Introduction.

اما به فرض تمام بودن این استدلال، قطعاً مدخلیت این امور برای اندیشه‌ها از باب اعداد است و مدخلیت علی به معنی مصطلح متافزیک نیست.

دنیس اوبرین تاریخ اندیشه اقتصادی را رشته‌ای عقلانی تلقی کرده و آغاز آن را در دهه‌های اولیه قرن نوزده دانسته است. نگاه کنید به:

Denis Patrick O'Brien "History of Economic Thought as an Intellectual Discipline," in: Antoin Murphy, Renee Prendergast,

از این منظر، تاریخ اندیشه‌های اقتصادی از ملحقات تاریخ فلسفه به معنای عام محسوب می‌شود و به همین معنی هم می‌توان ادوار تاریخ اندیشه‌های اقتصادی را به نحو فلسفی بازپرداخت، و خاستگاه فلسفی آن‌ها را بررسید.

باری، از این سخن کوتاه معلوم می‌شود که (۱) بحث ما در این کتاب در هر احوال یک بحث فلسفی است که (أ) به لحاظ صوری بحثی منطقی در اندیشه اقتصاد سرمایه‌داری است و (أأ) به لحاظ مادی بحثی در تاریخ اقتصاد سرمایه‌داری؛ و از این رو، (۲) مباحث آتی نه رأساً به (أ) فلسفه اقتصاد که رشته‌ای کاملاً نوپاست تعلق دارند و نه به (أأ) علم اقتصاد، که رشته‌ای زریذ است. فلسفه اقتصاد و علم اقتصاد هر دو محصول پارادایم آگاهانه از انواع آن محسوب می‌شوند؛ و حال آن که مباحث ما، چنان که گفتیم و خواهد آمد، اعم از پارادایم آگاهی است، و ناظر به پارادایم‌های دیگری هم هست که اندیشه سرمایه‌داری و ماده تاریخی آن در شاکله آن‌ها شکل گرفته است.

اندیشه‌های اقتصادی به وجه عام و سرمایه‌داران به وجه خاص همزاد رفتارهای اقتصادی مردمان در درازنای تاریخ بوده و هستند؛ فلسفه اقتصاد یک معرفت درجه دوم و محصول پایگاه شناخت فلسفی و پارادایم آگاهی است که عمده مشغله آن نقد علم اقتصاد از موضع

شناخت‌شناسی، و بررسی علم بودن اقتصاد، روش‌شناسی، گزاره‌های اقتصادی، نسبت‌های اخلاقی و حقوقی، وجوه جامعه‌شناسانه و اموری از این قبیل است.^۱ پس، منظر فلسفی ما در این کتاب فلسفه اقتصاد و معرفت‌شناسی درجه دوم نیست، بلکه منظری پارادایمیک و متانظری است؛ و البته بدیهیست که این سخن به معنی انکار وجود و قبول اعتبار و اهمیت فلسفه اقتصاد که رشته‌ای نوپدید در مطالعات معرفت‌شناسی و فلسفه علوم است، نیست. و هکذا مباحث ما متعلق به علم اقتصاد و در حوزه آن علم، معنی مصطلح آن نیست؛ زیرا علم اقتصاد مانند هر علم دیگری که به معنی «مروزی ساینس»^۲ خوانده می‌شود، محصول پایگاه معرفت‌شناسی در پارادایم آگاهی است، و لذا نوپدید و جدید است؛ درحالی که اندیشه‌های اقتصاد از دیرباز، از آغازین مناسبات میان انسان‌ها که زمان آن را بدرستی نمی‌دانیم، بوده‌اند. البته بدیهی است که در خلال بحث از مسائل و داده‌های اقتصادی و اقوال اهل نظر و آراء

^۱ Julian Reiss, *Philosophy of Economics: A Contemporary Introduction*. London: Routledge 2013. Ch.1.

چنان که گفتیم اندیشه‌های اقتصادی ماهیتاً فلسفی‌اند؛ و این نکته تأمل در آراء اندیشمندان نامدار این تاریخ عیان است. برای نمونه‌هایی از نوشته‌های فلسفی ایشان نگاه کنید به:

Daniel M. Hausman, *The Philosophy of Economics An Anthology*. Cambridge University Press 2008.

^۲ Science

علماء اقتصاد که ما را در تحلیل و ایده اصلی کتاب بکار می‌آیند، استفاده کنیم.

اکنون با توجه به این نکات که ذکر کردیم، در این کتاب به تفصیل و ضمن پنج بخش به تحلیل پارادایمیک اندیشه سرمایه‌داری و تأمل در این باب می‌پردازیم؛ و پس از (۱) بحثی در امور عامه که زمینه این تفصیل را فرامی‌آورند، به ترتیب کلان‌شاکله‌های شکل‌گیری و بسط اندیشه سرمایه‌داری را مطابق با نظریه پارادایم‌های چهارگانه وامی‌رسیم، و (۲) در بخش دوم از کلان‌شاکله متافیزیک سرمایه‌داری که در پارادایم وجود شکل گرفته سخن می‌گوییم، و سپس (۳) در بخش سوم از کلان‌شاکله علم سرمایه‌داری که در پارادایم آگاهی شکل گرفته بحث می‌کنیم، و آن‌گاه، (۴) در بخش چهارم از کلان‌شاکله تکنولوژی سرمایه‌داری که در پارادایم زبان شکل گرفته سخن می‌گوییم، و نهایتاً (۵) در بخش پنجم در پیچه‌ای به کلان‌شاکله ارزش سرمایه‌داری که در پارادایم فرهنگ در حال شکل گرفتن است می‌نشینیم.

کتاب حاضر در اصل مقدمه طرح پژوهشی کلی ردی که نگارنده درباره امکان اقتصاد دینی از منظر پارادایمیک آغاز کرد، اما به سبب اوجابی نیمه تمام ماند؛ به همین مناسبت، خاتمه این کتاب را با تذکارتی درباره امکان احیاء اقتصاد دینی در عالم معاصر بر اساس مقتضیات پارادایم فرهنگ اختصاص می‌دهیم و به اختصار چند نکته و نمونه را درباره این

امکان ذکر می‌کنیم، مگر انگیزه‌ای برای نگارش کتاب مستقلی در این باب باشد.

اما در آغاز و در بخش نخست کتاب حاضر، دو بحث مقدماتی را مطرح می‌کنیم: (۱) نخست در تعریف سرمایه‌داری، و سپس (۲) درباره نظریه پارادایمی و نسبت اندیشه پارادایمی با حوزه اقتصاد و سرمایه‌داری به اختصار مطالبی ذکر می‌کنیم که به کار تحلیل رادیکال اندیشه سرمایه‌داری می‌آیند، و زمینه را برای فهم سرشت و سرنوشت سرمایه‌داری تمهید می‌کنند.